

ترجمه جدید نهج البلاغه

بهاء الدین خرمشاهی



نهج البلاغه. ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، لو+۴۴۶+۵۹۶ ص.

نهج البلاغه گردآورده ابوالحسن محمدبن طاهر معروف به شریف (یا سید) رضی (۳۵۹ تا ۴۰۴ یا ۴۰۶ ق.) صورتی هزارساله و ماده و محتوایی هزار و چهارصدساله دارد، و مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ، وصایا، و حکمتها یا کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب (ع) است که بر مبنای نقل متون و منابع قرنهای دوم و سوم و چهارم، از منابع شیعه و اهل سنت تدوین گردیده است. در جهان اسلام اهمیت طراز اول تاریخی- ادبی، و در عالم تشیع اهمیت قدسی فراتر از افق تاریخ و ادب دارد.

بخشی در صحت صدور این اثر

در صحت این جمع و تدوین، یا به تعبیری دقیقتر در صحت نسبت این مجموعه به حضرت علی (ع) یعنی صدور همه این گفته‌ها از ایشان از دیرباز تردیدها و تشکیکهایی کرده‌اند. ظاهراً هر کس می‌تواند، از سر ماجراجویی یا بی‌مسئولیتی در بعضی مشهورات

یا مسلمات تاریخی- ادبی شك کند. چنانکه فی المثل بعضی از غرابت گرایان در شخصیت و وجود تاریخی دانشمند حضرت ابراهیم (ع) و حتی عیسی مسیح (ع) نیز تردید کرده‌اند.

کسانی که خرق اجماع را دوست دارند می‌توانند فی المثل در صحت صدور غزلیات حافظ شك کنند و این سروده‌ها را اثر طبع محمد گلندام یا شاعر گمنام دیگری بدانند. چنین تشکیکهایی - اگر آبروی شخص شكاک را بریاد ندهد- ظاهراً خرجی بر نمی‌دارد ولی پاسخ دادن به آن حلم و علم و همت و حوصله می‌خواهد. البته جامعه اهل تحقیق همواره به این گونه شکها و تشکیکها توجه نمی‌کند یا پاسخ نمی‌دهد. چنانکه يك دوده پیش وقتی که یکی از شعرای نوپرداز برای جلب انظار، ادعا کرد که سعدی شاعر نیست، و روزنامه‌ها، ادعایی چنین واهی را با حروفی درشت چاپ کردند، کسی را نگران نکرد و چه بسا باعث تفریح خاطر کسانی هم شد. و طبعاً کسی در مقام اثبات امر ثابت بر نیامد و عاقلان دانستند و می‌دانستند که سخن سعدی خود معیار شعر و شاعری در زبان فارسی است. اما تشکیک در بعضی مشهورات، از جمله در صحت صدور مجموعه‌ای که نهج البلاغه نام دارد، حتی اگر مستدل نباشد، معقول است. و از قدیم عده‌ای از محققان شیعه و سنی به ژرفکاوی در این زمینه و ارزیابی میزان صحت این مجموعه بر آمده‌اند.

در گستره تمدن اسلامی- که تمدنی کتاب آفرین است و سنگ اساسش کتابی معجزه‌آسا است- فقط يك سند قطعی الصدور بیشتر نداریم و آن هم قرآن کریم است که در میان کتب مقدس تمامی ادیان جهان، هیچ کتابی با این قدمت، این سابقه روشن را در جمع و تدوینش ندارد.

علی بن حسین مسعودی، مورخ شهیر (متوفی ۳۴۶ ق) می‌نویسد: «آنچه مردم از خطبه‌های وی [حضرت علی (ع)] به یاد سپرده‌اند، چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه یاد می‌کرد و مردم آن را به حفظ و ثبت از هم می‌گرفتند.»^۱

اگر شریف رضی فقط همین کار را کرده بود که حتی نیمی از آن خطبه‌ها را فقط از افواه عام و خاص بر می‌گرفت و با علم و

ادب و احاطه‌ای که داشت، اغلاط فاحش آنها را می‌زدود و سپس مدون می‌ساخت و نامی بر آن می‌نهاد و به کمک نسخه برداران آن را تکثیر می‌کرد و در اقطار عالم اسلامی می‌پراکند، و برای آیندگان به یادگار می‌نهاد، کاری سترگ کرده بود، تا چه رسد به کار او که صرفاً یا اصلاً مبتنی بر نقل شفاهی و افواهی نیست. بزرگترین ایرادی که منتقدان به احادیث اسلامی می‌گیرند، این است که لااقل به مدت یک قرن کامل (قرن اول)، سنت کتابت در تمدن اسلامی سابقه نداشته است؛ و در اوایل قرن دوم است که منع رسمی کتابت حدیث برداشته می‌شود، و جمع و تدوین احادیث آغاز می‌گردد. لذا معلوم نیست که در آن یک قرن چه بر سر احادیث اصیل آمده است. پاسخهای بسیاری به این ایراد و شبهه داده اند از جمله اینکه سنت نقل سینه به سینه و نقل هر راوی از راوی پیشین - و در هر نسل خدا می‌داند که چند هزار راوی و حدیث‌دان صاحب‌نظر وجود داشته است - به تابعین تابعین، و از آنجا به تابعین، و از آنجا به صحابه - و در سنت تشیع از طریق اصحاب ائمه به ائمه اطهار (ع) - و سرانجام به حضرت رسول (ص)، یعنی قول و فعل و تقریر او منتهی می‌گردد.

اهتمام راویان و حدیث‌شناسان و بعدها گردآورندگان مجموعه‌های حدیث، از جمله سفر به قصد استماع حدیث به شهرها و روستاها و قبایل، و صحت و صلابت موازین علمی و اخلاقی تحمل حدیث و نقل و روایت آن چندان قابل اعتماد و اعتبار است که به خوبی جانشین یک قرن فقدان کتابت بوده است. نه فقط در علم حدیث، بلکه در اغلب شعب علوم نقلی، از جمله تاریخ (در رأس همه تاریخ طبری) و در ادبیات (در رأس همه الاغانی) نیز نقل با سلسله روایت معمول بود.

اگر شریف رضی محدث حرفه‌ای بود، طبق سنت مرضیه محدثان، همه منقولات و مرویات مجموعه نهج البلاغه را به استماع خود از مشایخ و استادانش، و طبعاً آنها نیز از مشایخ خویش تا برسد به امام علی (ع)، نقل می‌کرد. ولی این کار را نکرده است. فقط به اختصار منبع نقل حدوداً ۱۵ خطبه را یاد کرده است.^۲ اما چنین نیست که حذف - یا در برداشتن - سلسله روایت مجموعه نهج البلاغه را یکسره بی اعتبار کرده باشد.

شریف رضی سخنور و سخن‌شناس بزرگی است. آثاری که از او باز مانده، علی‌رغم سن کوتاهش (۴۷ یا به قولی ۴۵ سال) بسیار است، و همه حکایت از ادب شناسی و دانش و بینش عمیق او دارد. وی هم‌عصر شعرای بزرگی چون متنبی و ابوالعلاء معری است و هر چند هم‌طرز و هم‌طراز آنها نیست، اما اشعار لطیفش منزلت شایسته‌ای در تاریخ شعر عربی دارد.^۳

باری سیدرضی بر مبنای مجموعه‌هایی که پیش از او از کلام و کلمات حضرت امیرالمؤمنین (ع) فراهم شده بوده، و از بیست

مجموعه بیشتر بوده است^۴، و بر مبنای تواریخی چون معارف ابن قتیبه، مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری، تجارب الامم ابن مسکویه، انساب الاشراف بلاذری، ارشاد شیخ مفید، وقعه صفین نصر بن مزاحم، الفارات ثقفی، و تذکره‌ها و گلچینهای معتبری چون کامل مبرد، العقدالفرید ابن عبدربه، الاغانی ابوالفرج اصفهانی، و آثار ادبی‌ای چون البیان والتبیین جاحظ، امالی و نوادر ابوعلی قالی و مجموعه‌های حدیثی چون اصول و فروع کافی، غریب الحدیث قاسم بن سلام هروی، و آثار شیخ صدوق و تحف العقول ابن شعبه و دهها منبع دیگر که در کتابخانه عظیم و نفیس خانوادگی او یا کتابخانه‌های دیگر در بغداد قرن چهارم - که به لحاظی فرهنگی‌ترین شهر در جهان آن روزگار بوده است - خطبه‌ها و سایر آثار کوتاهتر امیرالمؤمنین (ع) را گرد آورده است. شاید توجه به ارزش ادبی و جنبه تاریخی مآثورات امام (ع)، که مانند سایر احادیث، مخصوصاً احادیث احکام [= احادیث فقهی] اهمیت دینی و فقهی طراز اولی ندارد، مزید بر این علت شده است که سلسله روایت را نقل نکند. ذکر منابع، یعنی مأخذ نقل هم، به صورت کتابشناسی‌هایی که در اعصار جدیدتر رایج شده، در عصر او معمول نبوده است.

ظاهراً وفيات الاعیان تألیف ابن خلکان (۶۰۸ تا ۶۸۱) نخستین منبعی است که دو قرن و نیم پس از جمع و تدوین نهج البلاغه، این دو شبهه را مطرح می‌کند. نخست اینکه معلوم نیست نهج البلاغه گرد آورده شریف مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق)، برادر کهنتر شریف رضی است، یا گردآورده خودرضی؟ دوم اینکه،

حاشیه:

۱) مروج الذهب و معادن الجواهر. تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم باینده، چاپ دوم (تهران، بنگاه ترجمه، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۷۷۸).
۲) این منابع عبارتند از البیان والتبیین جاحظ، تاریخ طبری، الجمل واقدی، المغازی تألیف سعید بن یحیی اموی و ۱۱ اثر دیگر. برای اطلاع از مشخصات کامل آنها - مصادر نهج البلاغه و اسانیده، تألیف السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب. ط ۳ (بیروت، الاعلمی، ۱۳۹۵ ق)، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲.

۳) برای ارزیابی سخنوری و سخن شناسی او - عبقریه الشریف الرضی، تألیف زکی مبارک (بیروت، المكتبة العصرية، بی تا)، مخصوصاً فصل «مقام الشریف الرضی بین شعراء القرن الرابع»، ج ۱، ص ۷۰ تا ۹۲.

۴) امتیاز علیخان عرشی ۲۱ تن را که پیش از شریف رضی اقدام به تدوین مجموعه‌ای از خطبه یا کلمات امام (ع) کرده اند، با توضیحات کامل نام می‌برد. - استناد نهج البلاغه، تألیف امتیاز علیخان عرشی، ترجمه و تعلیقات و حواشی از دکتر سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۰۳ تا ۱۰۸. نیز نگاه کنید به مقدمه محققانه مرحوم شعرانی بر شرح نهج البلاغه حاج ملاصالح قزوینی (تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰ ق). مخصوصاً صفحات «ج» تا «و». همچنین: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، ج ۱، ص ۴۸ تا ۶۶. زکی مبارک می‌نویسد: «معروف بوده است که مجموعه‌ای از خطبه علی بن ابی طالب (ع) فراهم آمده بود. مجموعه‌ای که جاحظ در مطلع قرن سوم از آن سخن می‌گوید.» عبقریه الشریف الرضی، ج ۱، ص ۲۲۲.

با قید احتمال ضعیف، یعنی با تعبیر «قد قیل» می نویسد که «بعضی گفته اند این اثر کلام علی نیست، بلکه همان کسی که آن را جمع کرده و به حضرت نسبت داده [یعنی یکی از این دو برادر ادیب] واضع آن است. والله اعلم.»^۵

در میان بیش از سیصد اثری که در شرح یا توضیح یا تکمیل، یا توثیق و استندارک، یا معرفی یا ترجمه یا تلخیص نهج البلاغه است، ده پانزده اثر اختصاص به تحقیق در مصادر و مدارک نهج البلاغه دارد. از جمله: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، تألیف عبدالزهراء الحسینی الخطیب (۴ جلد)؛ مستدرک نهج البلاغه و مدارک نهج البلاغه و دفع الشبهات عنه، تألیف هادی کاشف الغطاء؛ نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، تألیف شیخ محمدباقر محمودی (تاکنون ۸ مجلد). همچنین: استناد نهج البلاغه، تألیف امتیاز علی خان عرشی؛ نیز: پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه، تألیف دکتر سید محمد مهدی جعفری.

این آثار به بر شمردن منابعی که خطبه‌ها، عهود، مواعظ، حکم و به طور کلی محتویات نهج البلاغه را، پیش از تدوین شریف رضی، در بردارد، یا منابعی که آنها را پس از تدوین سید رضی ولی به طریقی جز آن، نقل کرده است، می پردازد. شارحان نهج البلاغه نیز، از جمله و از همه مهمتر ابن ابی الحدید، برای تأیید و افزایش پشتوانه نقلی نیز منابع قبل و بعد از جمع و تدوین نهج البلاغه را یاد کرده اند.

ابن ابی الحدید (۵۸۶ تا ۶۵۶ ق) شاعر، ادیب، متکلم معتزلی مذهب و بزرگترین شارح نهج البلاغه - که شرح بیست جلدی او بارها در مصر و ایران و جهان اسلام تجدید طبع شده است - در ضمن شرح یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، در مقام پاسخگویی به شبهه یا تهمت جعل نهج البلاغه بر می آید و می گوید اگر بگویند همه این اثر را به دروغ و دستان به امام نسبت داده اند، مخالف با این واقعیت انکارناپذیر است که عده‌ای از محدثان و مورخان، بخش اعظم این آثار را در مطاوی کتب خود، پیش از جمع و تدوین شریف رضی، روایت کرده اند. اگر بگویند بخشی از این اثر را به دروغ به امام نسبت داده اند، این هم پذیرفته نیست، زیرا سخن شناسان و خبرگان به یکدستی این اثر - که از این نظر همانند قرآن کریم است - صحه نهاده اند.^۶

از محققان اهل سنت معاصر، زکی مبارک می نویسد: «... آیا معقول است آثار او [= حضرت علی علیه السلام] با وجود اینهمه پیرو - که هر چه را منسوب به او بوده حفظ کرده اند - از دست رفته باشد؟ آیا معقول است که مردم آثار پریشانگویان عصر اموی [= العابثین و الماجنین من اهل العصر الاموی] را حفظ کرده باشند، اما آثار خطیبی را که به خاطر او هزاران پهلوان کشته شده اند، فراموش کرده باشند؟ اگر جایز باشد که مردم معجولات منسوب

به او را حفظ کنند، چگونه جایز است که آنچه را که واقعاً اثر خود اوست فراموش کرده و از دست نهاده باشند... گزیری نیست جز قبول اینکه نهج البلاغه اصالتی دارد و گر نه این مجموعه دلیل بر آن است که شیعه تواناترین مردم بر آفرینش کلام بلیغ هستند.»^۷ شادروان ابوالحسن شعرانی که یکی از متین ترین ارزیابها و دقیق ترین ژرفکاوها را در بحث و فحص از کم و کیف اصالت نهج البلاغه، در مقدمه خود بر شرح نهج البلاغه، تألیف حاج ملا صالح قزوینی، عرضه داشته است می نویسد: «نتیجه این تطویل آنکه تردید در صحت نهج البلاغه نمی توان کرد و اسلوب کلام امیرالمؤمنین در همه آن هویدا است. و اگر تقدیم و تأخیر و زیاده و نقصان و تصحیف یا تحریفی به اختلاف روایات در اندکی از کلمات آن راه یافته، یا بالفرض دو سه جمله از سخنان دیگران به اشتباه و شباهت داخل شده باشد، مضر به مقصود ما نیست. چون ادعای تواتر کلمات و حروف و الفاظ آن را نمی کنیم. و این خصوصیت را برای قرآن کریم ثابت می دانیم و بس که حتی یک حرف و یک کلمه آن تحریف نگشته است. و به سایر منقولات چنان توجه و عنایت که به قرآن است نبوده و آن همه حفاظ و نسخ نداشته است...»^۸

ترجمه‌های «نهج البلاغه»

نهج البلاغه در مجموع نثری نسبتاً دشوار دارد. یعنی در قیاس با قرآن کریم و احادیث و خطب نبوی یا حتی خطبه‌های سایر خطبا، چه از نظر واژگان و چه از نظر نحو و اسالیب جملات و طرز تعبیر، اندکی دشوارتر است. همین پختگی و پیچیدگی و تعبیرات و تشبیهات باریک و غنای واژگان است که یکی از بهانه‌ها و دستاویزهای مدعیان و بعضی منتقدان در انکار اصالت نهج البلاغه است، که آن را متعلق به ادوار متأخرتر نثر عربی می دانند.

ترجمه نهج البلاغه سابقه‌ای شش هفت قرنه دارد. یکی از کهنترین ترجمه‌های نهج البلاغه اخیراً به همت آقای دکتر عزیزالله جوینی، تصحیح شده و در دو مجلد به طبع رسیده است. نسخه خطی این ترجمه به سال ۹۷۳ ق کتابت شده و ترجمه آن تحت اللفظی است و مترجم آن ناشناخته است. طبق ارزیابی مصحح «از روی قرائن واژگان و سبک نگارش و موارد دستوری و سایر خصوصیات، می توان حدس زد که وی می باید همزمان با ابوالفتوح رازی باشد، یا اندکی از وی جلوتر؛ یعنی در قرن پنجم و ششم می زیسته است.»^۹

شرح نهج البلاغه، اثر ابن الحدید با آنهمه تفصیل در عصر صفویه به فارسی ترجمه شده است.^{۱۰} از این شرح، ترجمه مباحث تساریخی در قریب به ۷ مجلد به قلم آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی آغاز شده که تاکنون ۳ مجلد از آن انتشار

یافته است. ترجمه‌ای از نهج البلاغه به تاریخ ۸۸۲ق، در کتابخانه وزیر یزد محفوظ است.^{۱۲} ترجمه و شرح نهج البلاغه به قلم ملافتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸ق) مفسر معروف، تا سال ۱۳۱۳ق چند بار به چاپ رسیده است. از ترجمه و شرح حاج ملاصالح قزوینی (قرن یازدهم هجری) نیز چند طبع به عمل آمده است. از ترجمه‌های معاصر و امروزی آنچه رایج است ترجمه و شرح نهج البلاغه زیر نظر آقای مکارم شیرازی، ترجمه و شرح محمدعلی انصاری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، در بیش از بیست مجلد، به قلم استاد محمدتقی جعفری، ترجمه محسن فارسی (طبع امیرکبیر)، ترجمه دکتر اسدالله مبشری (طبع دفتر نشر فرهنگ اسلامی) و دو ترجمه هست که بیشتر از بقیه مشهوراند: نخست ترجمه مرحوم جواد فاضل که دقت و استواری چندانی ندارد و در واقع تحریر آزاد و نقل به معناست، نه ترجمه جدی. دیگر که احتمالاً مردم پسندترین ترجمه نهج البلاغه در چند دهه اخیر بوده است، و فی الجمله ضبط و ربطی دارد، ترجمه مرحوم علینقی فیض الاسلام است که تا کنون بیش از یک میلیون نسخه از آن به فروش رفته است.

در باره ترجمه حاضر

با توجه به شخصیت و پایگاه علمی و ادبی استاد سیدجعفر شهیدی می توان انتظار داشت که با ترجمه‌ای بسیار خوب روبرو باشیم. دکتر شهیدی در مقدمه خود بحث را با توجه و تأسی خطبا و بلغا به خطبه‌های نهج البلاغه و جایگاه رفیع سخنان امیرالمؤمنین آغاز می‌کند. سپس بحثی تحت عنوان «بلاغت چیست» به میان آورده، پس از آن به «ترجمه‌های نهج البلاغه به فارسی» می‌پردازد و تاریخچه‌ای اجمالی بیان می‌دارد.

ایشان انگیزه اهتمام خود به ترجمه این اثر ارجمند را، درس و بحث ادبیات عرب، در دوره دکتری ادبیات فارسی، در دوره فترت دانشگاهی، در حدود پنج- شش سال پیش، یاد می‌کنند که نهج البلاغه را متن درس و مدار بحث قرار می‌دهند. «وپس از آنکه دوستان خطبه نخستین را بر من خواندند، با خود گفتم که از راه آزمایش به کار برخیزم و این خطبه را در قالب واژه دری ریزم. بود که دیده مرحمت انشاء کننده بر این کمترین افتد و او را در کاری که در پیش گرفته یاری دهد. چون ترجمه آماده گشت آن را در جمع حاضران خواندم همگان پسندیدند و از من خواستند تا وظیفه‌ای را که در پیش گرفته‌ام به پایان رسانم.» (مقدمه، ص «کا»)

سپس بحثی ذیل عنوان «روش مترجم» پیش کشیده‌اند و گفته‌اند که با مقایسه و مطالعه برخی ترجمه‌های فارسی نهج البلاغه با متن عربی، به این نتیجه رسیده‌اند که صرف نظر از میزان توفیق یا درجه دقت و امانت‌داری، مترجمان غالباً گرفتار

این کمبود و کاستی اند که جنبه سخنورانه کلام امام (ع) و اسلوب و آرایه‌های لفظی آن را نادیده گرفته‌اند: «بدین رو کوشیدم تا در حد توانایی خویش، ضمن برگرداندن عبارت عربی به فارسی، چندانکه ممکن است صنعت‌های لفظی رانیز رعایت کنم. نیز کوشیده‌ام تا در ترجمه، هر واژه فارسی برابر واژه عربی قرار گیرد؛ و اگر نیازی به آوردن کلمه‌ای یا جمله‌ای برون از متن افتاده است، آن را میان دو خط تیره نهاده‌ام...» (مقدمه، ص «کا» و «کب».) نیز افزوده‌اند که مترجم «براین دقیقه آگاه بوده است که نباید معنی فدای آرایش لفظ گردد.» (مقدمه، ص «کج».)

متن اساس کار استاد شهیدی، متن مصحح مرحوم شیخ محمد عبده است^{۱۳} که در عصر جدید، اهتمام او به تصحیح و شرح موجز نهج البلاغه باعث تجدید توجه جهان اسلام به این اثر عظیم الشأن گردید.

در مواردی که خطا یا نقصانی در این متن یافته‌اند، برای رفع آن به شرح ابن ابی الحدید و متن مصحح شادروان صبحی صالح مراجعه کرده‌اند. شماره‌ای که به خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار داده‌اند، بر اساس نسخه صبحی صالح است.^{۱۴} زیرا توجه

حاشیه:

(۵) وفيات الاعیان. تألیف ابن خلکان، حقه احسان عباس (تجدید طبع به شیوه افست، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۴ش)، ج ۳، ص ۳۱۳.

(۶) آثار یعنی فقط کتابهایی که در باره نهج البلاغه یا شرح و تلخیص و ترجمه آن است. طبق احصاء و نقل آقای دکتر علینقی منزوی ۲۰۴ کار است. ۱۰۰ کار پیش از سال ۱۰۰۰ق، ۴۳ کار پس از ۱۳۰۰ق، ۶۱ کار در سه قرن فاصله بین این دو تاریخ ← فهرست کتابخانه مشکوة، ج ۲، ص ۳۱۱. براین آمار می‌توان حدود چهل- پنجاه عنوان از آثاری که از سال ۱۳۲۲ش- زمان نگارش فهرست مشکوة- تا حال تألیف شده و به طبع رسیده، اضافه کرد. کتابنامه نهج البلاغه، تألیف رضا استادی (تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹)، شامل ۶ بخش (۱- ترجمه‌ها، ۲- شرح‌ها، ۳- برگزیده‌ها، ۴- مستدرک‌ها، ۵- مدارک، ۶- فهرست‌های نهج البلاغه) جمعاً ۳۷۰ عنوان در بردارد. در یک دهه پس از این فهرست نیز ده- بیست اثر جدید منتشر شده است.

(۷) تلخیص و نقل به معنا از: پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه. تألیف دکتر سید محمد مهدی جعفری (تهران، قلم، ۱۳۵۶). ص ۵۹ و ۶۰.

(۸) عقربة الشریف الرضی، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

(۹) شرح نهج البلاغه. تألیف حاج ملاصالح قزوینی. با مقدمه میرزا ابوالحسن شعرانی (تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰ق)، ج ۴، ص ۱، مقدمه، ص «ک».

(۱۰) نهج البلاغه. ترجمه فارسی حدود قرن پنجم و ششم، به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، ج ۲ (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، مقدمه، ص «سه».

(۱۱) کتابنامه نهج البلاغه. تألیف رضا استادی (تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹)، ص ۱۳، مدخل شماره ۵۲، و ص ۱۴، مدخل شماره ۵۳.

(۱۲) پیشین، ص ۱۹، مدخل ۸۳.

(۱۳) نهج البلاغه. وهو مجموع ما اختاره الشریف ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی، من کلام امیرالمؤمنین ابی‌الحسن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. شرح الشیخ محمد عبده.

(۱۴) نهج البلاغه. وهو مجموع ما اختاره الشریف ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی، من کلام امیرالمؤمنین ابی‌الحسن علی بن ابی‌طالب

نیست؛ حالی که مردم را حاکمی باید نیکو کردار یا تیه کار. تادر حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند، و کافر بهره خود برد، تا آنگاه که وعده حق سر رسد و مدت هر دو در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند، و راهها را ایمن سازند؛ و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکو کردار روز به آسودگی به شب رساند، و از گزند تبهکار در امان ماند.

(۳) سخن شماره ۱۲۶ (ص ۳۸۲)

از بخیل در شگفتم، به فقری می شتابد که از آن گریزان است، و توانگری از دستش می رود که آن را خواهان است. پس در این جهان چون درویشان زید، و در آن جهان چون توانگران حساب پس دهد؛ و از متکبری در شگفتم که دیروز نطفه بود و فردا مردار است؛ و از کسی در شگفتم که در خدا شک می کند و آفریده های خدا پیش چشمش آشکار است؛ و از کسی در شگفتم که زنده شدن آن جهان را نمی پذیرد و زنده شدن بار نخستین را می بیند؛ و در شگفتم از آن که به آبادانی ناپایدار می پردازد و خانه جاودانه را رها می سازد.

(۴) و از سخنان آن حضرت است به کمیل (ص ۳۸۷)

[کمیل پسر زیاد گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) دست مرا گرفت و به بیابان برد. چون به صحرا رسید آهی دراز کشید و گفت: ای کمیل! این دلها آورده است، و بهترین آنها نگاهدارنده ترین آنهاست. پس آنچه تو را می گویم از من به خاطر دار: مردم سه دسته اند: دانایی که شناسای خداست، آموزنده ای که در راه رستگاری کوشاست، و فرومایگانی [همچ رعاع] رونده به چپ و راست که در هم آمیزند، و بی هر بانگی را گیرند و با هر بادی به سوی خیزند. نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناهگاهی استوار شتافتند....

به قول شیخ اجل:

هر باب از این کتاب نگارین که بر کنی
همچون بهشت گویی از آن باب خوشترست

حاشیه:

علیه السلام. ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیة الدكتور صبحی الصالح (بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۳۸۷ق، ۱۹۶۷م).
(۱۵) المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغة. [تدوین] کاظم محمدی و محمد دشتی (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق/۱۳۶۴ش).

داشته اند که معجم المفهرس یا واژه یابی که اخیراً به همت دوتن از محققان برای نهج البلاغه فراهم شده است^{۱۵}، طبق شماره گذاری و متن صبحی صالح است؛ و با رعایت این نکته روشمندان، کار محققان و مراجعان را آسان کرده اند.

مترجم تعلیقه هایی نیز بر خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار نوشته اند «که در روشن ساختن وضع اشخاص و یا اجتماع و یا معنی واژه ها و کاربرد آن و یا تأثیر گفتار امام در سراینندگان و نویسندگان، متضمن فایده خواهد بود.» (مقدمه، ص «کج»).

این نکته مهم هم ناگفته نماند که کتاب حاضر، متن اصلی عربی و اعراب گذاری شده نهج البلاغه را نیز در بر دارد و این متن و ترجمه به صورت دوزبانی چاپ شده است. به این صورت که در سراسر کتاب، متن اصلی در صفحات دست راست (زوج)، و ترجمه اش در برابر آن (صفحات فرد) آمده است. حروف چینی، صفحه آرای، چاپ و صحافی و تجلید کتاب در کمال سلیقه و متانت و زیبایی است.

ترجمه شیوای آقای دکتر شهیدی چندانکه باید و شاید با متن مطابقت دارد. و با وجود حداکثر درجه همخوانی با متن، خوشبختانه جمود تحت اللفظی ندارد. و از آب و تابهای بیجا و قلم گردانیها و انشانویسیهایی که يك وقت عامه پسند بود، و روز به روز کمتر طرفدار دارد، در آن خبری نیست. نثر ترجمه به حد متوازنی استوار و فخیم و ادیبانه است. بهره ای از کلاسیسیسم و شیوه قدما در آن هست، چنانکه در هر نثر جدی و استوار امروز باید باشد، همین و نه بیشتر. تعبیرات و واژگان امروزی هم در آن بسیار است. و برای نمایاندن اسلوب، و بازسازی فضای متن اصلی، تا حدودی بدون افراط و مبالغه - سجع و موازنه دارد. به جای پرگویی، و برای حسن ختام بهتر است که نمونه هایی از این ترجمه تازه را نقل کنیم.

(۱) آغاز خطبه دوم (ص ۸)

او را سپاس می گویم که زیادخواه نعمت اویم. گردن نهاده عزت اویم. پناه خواه از معصیت اویم، و نیازمند کفایت اویم. هر که راه نماید گمراه نباشد، و دشمنش را کسی پناه نباشد و آن را که او کارگزار شد، نیازی به مال و جاه نباشد. هر چه سنجند به پای سپاس او نرسد و هیچ اندوخته ای به بهای او نرسد.

(۲) و از سخنان آن حضرت است (ص ۴۱)

چون سخن خوارج را شنید که می گفتند: «لا حُکْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود:

سخنی است حق که بدان باطلی را خواهند. آری حُکْم، جز از آن خدا نیست، لیکن اینان گویند فرمانروایی را جز خدا روا